

پادشاهی و عهد در عهد جدید

درس
سوم

پیمان جدید



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

The Farsi translation of “Kingdom and Covenant in the New Testament: Lesson Three: The New Testament”

© 2015 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel®. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پادشاهی و عهد در عهد جدید (درس شماره ۳: پیمان جدید)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) اداره پادشاهی

نمایندگان عهد

عهد عتیق

پیمان جدید

سیاست‌های مناسب

عهد عتیق

پیمان جدید

بسط اساسی

عهد عتیق

پیمان جدید

(۳) تعامل پویا

سخاوت‌مندی الهی

عهد عتیق

پیمان جدید

آزمون‌های وفاداری

عهد عتیق

پیمان جدید

نتایج

عهد عتیق

پیمان جدید

(۴) نتیجه‌گیری

پیمان جدید

مقدمه

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که چطور پیروان مسیح بسیاری از عبارات مشابه را به طرق مختلف استفاده می‌کنند؟ این مسئله قطعاً دربارهٔ کلمات «عهد جدید» صدق می‌کند. ما هر بار که شام خداوند را به جا می‌آوریم، آنچه عیسی گفت را تکرار می‌کنیم - «این است پیالۀ عهد جدید». و در تمام نقاط دنیا، کلیساهای محلی اسامی‌ای با واژه‌های «عهد جدید» بر خود دارند. اما اگر از اکثر مسیحیان بپرسید که «عهد یا پیمان جدید چیست؟»، به تعداد افرادی که از آنها پرسیده‌اید، جواب‌های متفاوتی دریافت می‌کنید. گاهی تفاوت‌هایی مانند این زیاد مهم نیستند. اما همانطور که در این درس خواهیم دید، مفهوم پیمان جدید نویسندگان عهد جدید را به قدری تحت تاثیر قرار داد که می‌توانیم الاهیات آنان را «الاهیات پیمان جدید» بخوانیم. و به همین دلیل، باید هرآنچه می‌توانیم انجام بدهیم تا درک کنیم که پیمان جدید چیست.

این سومین درس از مجموعه دروس «پادشاهی و عهد در عهد جدید» است. این درس را «پیمان جدید» نامیده‌ایم و در این درس به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت که چطور نویسندگان عهد جدید بر مفهوم پیمان جدید تکیه کردند تا برخی از برجسته‌ترین دیدگاه‌های الاهیاتی‌شان را شکل بدهند. درس ما به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، خواهیم دید که چطور پیمان جدید، ادارهٔ پادشاهی خدا را توصیف می‌کند. دوم، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که چطور پیمان جدید پویایی ویژهٔ تعامل بین خدا و قوم او را آشکار می‌کند. بیایید ابتدا به ادارهٔ پادشاهی خدا از طریق پیمان جدید نگاه کنیم.

ادارهٔ پادشاهی

اصطلاح عبری‌ای که ما معمولاً «عهد» یا «پیمان» ترجمه می‌کنیم، «بریت» (berith) است. در سپتواجت، ترجمهٔ یونانی عهد عتیق، این واژهٔ عبری «دیاتیک» (diatheke) ترجمه شده است. «دیاتیک» همچنین در عهد جدید نیز برای «پیمان» به چشم می‌خورد. هر دو واژهٔ بریت و دیاتیک مفهوم «یک توافق‌نامه یا پیمان رسمی» را دارند. در کتاب مقدس، ما پیمان‌هایی بین هم‌تایان را می‌بینیم. همچنین پیمان‌هایی بین پادشاهان و شهروندان‌شان و بین پادشاهانی با پادشاهان دیگر را می‌بینیم. و خدا با ملت‌ها و افراد پیمان بست. در این درس، ما به طور خاص به پیمان‌های خدا با مردم، و به ویژه پیمان جدید او در مسیح توجه خواهیم کرد. مهم است بدانیم که یکی از چشمگیرترین دستاوردها در درک ما از عهدهای کتاب مقدسی خدا، در نیمهٔ دوم قرن بیستم روی داد. در آن زمان، بسیاری از محققان شروع به مقایسهٔ عهدهای کتاب مقدسی با دسته‌ای از

اسناد باستانی خاور نزدیک کردند که معمولاً «عهدنامه‌های ارباب-رعیتی» خوانده می‌شوند. این اسناد، معاهدات بین‌المللی در میان اقوام روزگار عهد عتیق بودند. در این عهدنامه‌ها، اربابان یا پادشاهان بزرگ، پادشاهی‌شان را از طریق معاهداتی با رعیت‌ها یا حاکمان محلی تحت اقتدارشان اداره می‌کردند. همانطور که خواهیم دید، شباهت بین عهدهای کتاب مقدس و این معاهدات ارباب-رعیتی روشن می‌کند که عهدهای خدا در کتاب مقدس، ابزار اصلی او برای اداره امور پادشاهی‌اش بود.

ما در عهد عتیق می‌بینیم، به‌خصوص در کتاب پیدایش، که دو نوع مختلف از معاهدات در کلام خدا به نمایش گذاشته شدند. اول، چیزی را می‌بینیم که به آن «پیمان تساوی» می‌گوییم و بین دو فرد با توانایی برابر، اقتدار برابر منعقد می‌شود و توافقی به دست می‌دهد که برای هر دو نفر نفع دارد. برای مثال، ابراهیم و ابی‌ملک... نوع دومی از معاهده که می‌بینیم، چیزی هست که بعضی از مردم در خاور نزدیک باستان آن را «معاهدات ارباب-رعیتی» می‌خواندند، و معمولاً بین قدرت‌های ناهمسان منعقد می‌شد؛ یکی که قوی‌تر و بزرگ‌تر است، که به احتمال زیاد شما را شکست داده و زمین را فتح کرده اما حالا می‌خواهد در یک رابطه باشد که در آن، فرد بزرگ‌تر، ارباب، همه منافع را از رعیت دریافت می‌کند. بنابراین، در بیشتر مواقع به سرسپردگی از طرف رعیت احتیاج دارد که به تعهد خود نسبت به ارباب ادامه بدهد... اما منفعتی برای رعیت وجود دارد و آن این است که ارباب، در مقابل، هر وقت که ارتشی قوی یا نیروی متخاصمی در برابر آنها وجود داشته باشد، به کمک‌شان می‌آید، و بنابراین، یک چنین رابطه محافظتی متقابل هم وجود داشت.

- دکتر دنیل کیم

می‌دانید، ما معمولاً درباره پادشاهان به عنوان افراد ظالم و فرمانروایان متمولی فکر می‌کنیم که به شهروندان خود ستم می‌کنند. اما در حقیقت، مقام پادشاهی در زمینه خاور نزدیک باستان و زمان عیسی و پیش از آن، عمدتاً ریشه در مفهوم عهد داشت. ما شواهدی از معاهدات داریم، معاهدات باستانی، که در آنها یک پادشاه یا یک حاکم فئودال، یا کسی که ما ارباب می‌خوانیم، وارد توافقی با بعضی افراد می‌شد که اساساً تبدیل به خادمین یا رعیت او می‌شدند و آنها رابطه‌ای را تعریف می‌کردند که در آن حاکم فئودال، ارباب، شرایطی را تعیین می‌کرد که رابطه چطور می‌توانست حفظ شود و چیزی مثل این می‌گفت: «من از شما محافظت می‌کنم، من به شما سعادت می‌بخشم، به شما هویت می‌دهم و در ازای آن شما بخشی از محصولاتتان را به من می‌دهید و به من وفادار خواهید بود، و از پادشاه یا ارباب دیگری تبعیت نخواهید کرد.» و بنابراین، قرار بود که یک نوع شرایط کاملاً متقابل باشد. و اگر از منظر این نوع توافق، درباره مقام پادشاهی و ماهیت عهد فکر کنیم، آنچه در می‌یابیم این است که به نظر می‌رسد بخش‌های مختلف عهد عتیق به طور خیلی دقیق با عناصر مشابه این معاهدات اربابی مطابقت دارد.

- آقای بردلی جانسون

ما از سه طریق عمده به اداره پادشاهی خدا نگاه خواهیم کرد. نخست، به اهمیت نمایندگان عهد دقت خواهیم کرد. دوم، خواهیم دید که چطور عهدهای خدا بر سیاست‌های مناسب برای پادشاهی خدا متمرکز شده‌اند. و سوم، اشاره خواهیم کرد که چطور خدا پادشاهی خود را از طریق بسط اساسی سیاست‌های عهد خویش اداره می‌کند. بیایید ابتدا به نمایندگان عهد خدا نگاه کنیم.

نمایندگان عهد

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، اربابان باستانی، پادشاهی خود را از طریق عقد معاهداتی با پادشاهان محلی یا رعیت‌ها اداره می‌کردند. این پادشاهان محلی نماینده ملت‌های خود بودند و پادشاهی‌شان را در تبعیت از ارباب مدیریت می‌کردند. به طریقی مشابه، خداوند با پیمان بستن از طریق مردانی که آنها را به نمایندگی از قوم عهد خود برگزید، پادشاهی خویش را اداره می‌کند.

برای اینکه ببینیم منظورمان چیست، نخست خواهیم دید که خدا چطور نمایندگان عهد را در عهد عتیق برگزید. و بعد، به پیمان جدید نگاهی خواهیم انداخت. بیایید با عهد جدید شروع کنیم.

عهد عتیق

دشوار نیست که ببینیم خدا در روزگار عهد عتیق نمایندگان عهد را برگزید. باب‌های ۱-۳ پیدایش و هوشع ۶: ۷، هر دو نشان می‌دهند که خدا اولین عهد کتاب مقدسی را با آدم بست. پیدایش ۶: ۱۸ و پیدایش ۹: ۹-۱۷ به عهد خدا با نوح اشاره می‌کنند. و در پیدایش باب‌های ۱۵-۱۷ خدا با ابراهیم عهد بست. باب‌های ۱۹-۲۴ خروج نشان می‌دهد که خدا موسی را به عنوان نماینده عهد خود برگزید. و نهایتاً، متونی مانند مزمورهای ۸۹ و ۱۳۲ به عهد خدا با داوود اشاره می‌کنند.

وقتی خدا عهدهای خود را منعقد می‌کرد، با هر یک از این مردان به طور متفاوتی رفتار کرد. اما همه آنها در داوری‌های دادگاه آسمانی خدا، نماینده دیگران در حضور خدا بودند. عهدهای خدا با آدم و نوح را می‌توانیم «عهدهای همگانی» بنامیم چون آدم و نوح نماینده تمام بشریت به عنوان قوم عهد خدا بودند. عهدهای خدا با ابراهیم، موسی، و داوود را می‌توان به عنوان «عهدهای قومی» توصیف کرد. در این عهدها، این مردان نماینده قوم اسرائیل و غیر یهودیانی بودند که در اسرائیل به عنوان قوم عهد پذیرفته شده بودند.

با در نظر داشتن نمایندگان عهد، در عهد عتیق، بیایید ببینیم خدا چطور پیمان جدید را از طریق نمایندگان عهد اداره کرد.

پیمان جدید

عهد جدید، مکررا مسیح را به عنوان نماینده پیمان جدید معرفی می‌کند. خدا او را به نمایندگی از کلیسای خود به روش‌های ویژه‌ای درگیر کرد - خدا هر یهود و غیر یهودی را با مسیح می‌شناسد. همانطور که در عبرانیان ۹: ۱۵ می‌خوانیم:

[مسیح] متوسط عهد تازه‌ای است تا چون موت برای کفاره تقصیرات عهد اول به وقوع آمد، خواننده‌شدگان وعده میراث ابدی را بیابند (عبرانیان ۹: ۱۵).

تعلیمات مشابهی در متونی مانند رومیان ۸: ۳۴ و اول تیموتائوس ۲: ۵-۶ نیز به چشم می‌خورند. این حقیقت که مسیح نماینده برگزیده عهد از سوی خدا برای کلیساست، به ما کمک می‌کند تا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های الاهیات عهد جدید را درک کنیم. همانطور که بسیاری از مفسران کتاب مقدس ذکر کرده‌اند، الاهیات عهد جدید «مسیح‌محور» است. به عبارت دیگر، تمام جوانب الاهیات عهد جدید با شخص و کار مسیح گره خورده‌اند. اما چرا این موضوع واقعیت دارد؟ برای نمونه، چرا عهد جدید تعلیم می‌دهد که ما برای نجات می‌باید به عیسی ایمان داشته باشیم؟ چرا باید در نام عیسی دعا کنیم و محبت نشان بدهیم؟ چرا کلیسا «بدن مسیح» خوانده می‌شود؟ پاسخ روشن است. مسیح نقشی اساسی در الاهیات عهد جدید ایفا می‌کند چون خدا تمام ابعاد زندگی در پیمان جدید را از طریق مسیح به عنوان نماینده کلیسا اجرا می‌کند. نادیده‌گیری این ویژگی الاهیات عهد جدید، غفلت از یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است.

حال که دیدیم خدا پادشاهی خود را از طریق نمایندگان عهد و به ویژه مسیح در پیمان جدید اداره می‌کند، می‌باید به سراغ دومین ویژگی اداره پادشاهی خدا برویم: سیاست‌های مناسبی که عهدهای کتاب مقدسی برای دوره‌های مختلف تاریخ کتاب مقدس برقرار کردند.

سیاست‌های مناسب

همه معاهدات ارباب-رعیتی خاور نزدیک باستان، عناصر مشترکی داشتند اما از جهات مختلفی هم متفاوت بودند. چون هر معاهده، جداگانه به موضوعات خاصی می‌پرداخت که مربوط به هر رابطه بین‌المللی بود. تقریباً به همین ترتیب، همه عهدهای خدا اشتراکات زیادی داشتند، اما سیاست‌های هر عهد برای مسئله خاصی طراحی شده بود که در دوره‌های مختلف تاریخ کتاب مقدسی مهم بودند.

برای اینکه ببینیم چطور سیاست‌های معاهدات خدا برای دوره‌های مختلف تاریخی مناسب بودند، یک بار دیگر به عهد‌های عهد عتیق نگاه می‌کنیم و بعد، به سیاست‌های پیمان جدید نگاه می‌کنیم. بیایید ابتدا سیاست‌های پیمان عهد عتیق را در نظر بگیریم.

عهد عتیق

یک مطالعه سطحی شرایط پیمان‌های عهد عتیق، تمرکز بر سیاست‌هایی را نشان می‌دهد که مربوط به دوره‌ای مشخص از پادشاهی خدا بودند.

عهد خدا با آدم را می‌توان به درستی «عهد بنیادها» خواند. این عهد بر اهداف پادشاهی خدا و نقش انسان در پادشاهی او، قبل و بعد از ورود گناه به جهان تاکید می‌کند.

بعد از طوفان، خدا عهدی با نوح بست که می‌توان آن را «عهد پایداری» خواند. این عهد بر پایداری طبیعت و محیطی امن متمرکز بود که در آن، انسان گناهکار می‌توانست در خدمت اهداف پادشاهی خدا باشد.

می‌توانیم از عهد ابراهیم به عنوان «عهد گزینش اسرائیل» یاد کنیم. این عهد بر مزایا و مسئولیت‌های اسرائیل به عنوان قوم برگزیده خدا متمرکز بود.

عهد با موسی معمولاً «عهد شریعت» خوانده می‌شود چون بر شریعت خدا برای متحد ساختن اسباط آن به عنوان یک ملت متمرکز بود. با این عهد، خدا قوم اسرائیل را به سوی سرزمین موعودشان راهبری کرد.

و در نهایت، می‌توانیم عهد داوود را «عهد پادشاهی» بنامیم. این پیمان، اسرائیل را به عنوان یک پادشاهی حقیقی تثبیت کرد و بر نقش خاندان داوود در راهبری اسرائیل برای خدمت به پادشاهی تاکید داشت.

وقتی به سیاست‌های مناسبی دقت می‌کنیم که پیمان‌ها در عهد عتیق برقرار کردند، دیگر نباید جای تعجبی داشته باشد که ببینیم پیمان جدید هم سیاست‌های پادشاهی‌ای معین کرد که مناسب عصر پیمان جدید بودند.

پیمان جدید

پیمان جدید در آخرین دوره از تاریخ کتاب مقدس فرا می‌رسد – پس از عهد‌های خدا با آدم، نوح، ابراهیم، موسی و داوود. و به همین دلیل، پیمان جدید را می‌توان به عنوان «عهد تحقق» توصیف کرد. به این ترتیب، سیاست‌هایی را برقرار کرد که برای وارونه‌سازی شکست‌های گذشته و تکمیل یا تحقق اهداف پادشاهی خدا در مسیح طراحی شده بودند.

به پیمان جدید در کلام خدا، نخستین بار در ارمیا ۳۱: ۳۱ اشاره شد که چنین می‌خوانیم:

خداوند می‌گوید: «اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست» (ارمیا ۳۱:۳۱).

در زمینه گسترده‌تر این آیه، عبارت «ایامی می‌آید» به روزهای پس از پایان تبعید اسرائیل اشاره دارد. همانطور که در یکی از درس‌های پیشین دیدیم، پیام خبر خوش مسیحی - یا «انجیل» - این بود که پادشاهی خدا به پیروزی نهایی و جهانی خود پس از پایان تبعید اسرائیل خواهد رسید. بنابراین، از اولین اشاره به پیمان جدید می‌بینیم که به تحقق پیروزمند پادشاهی خدا مربوط است.

به همین دلیل، خدا در ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴ سیاست‌های پیمان جدید را آشکار کرد؛ سیاست‌هایی که مناسب این آخرین مرحله از پادشاهی در مسیح بودند. به آنچه خدا گفت گوش کنید:

اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه‌اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می‌گوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴).

دقت کنید که در این متن، وقتی خدا عصیان قوم خود را خواهد آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهد آورد، پیمان جدید پادشاهی خدا را به پایان نهایی آن خواهد رساند. در این زمان پایانی، زمان برکات ابدی برای قوم خدا، او شریعت خود را در باطن ایشان خواهد نهاد و آن را بر دل ایشان خواهد نوشت. در حقیقت، خدا وعده داد که این درباره «همه» افراد در پیمان جدید صادق خواهد بود. همانطور که او می‌گوید، «جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت.»

حال در متونی مانند تثنیه ۱۰: ۱۶ و ارمیا ۴: ۴، خدا مکرراً ملت اسرائیل را فرا می‌خواند که از ارتباط ظاهری خود با عهدهای او پیش‌تر بروند و دل‌های‌شان را ختنه کنند. به عبارت دیگر، آنها باید با نگرش شریعت او بر دل‌های‌شان، عمیقاً او را محبت می‌کردند. اما خدا در سیاست‌های پیمان جدید وعده داد به گونه‌ای مداخله کند که این موضوع درباره «همه» افراد در عهد او صادق باشد.

بعد از قیام و صعود عیسی، شکل پادشاهی خدا به همان طریق ماند که او بر قوم خود در مکان خود سلطنت می‌کند، اما آنچه به نظر می‌رسید، کاملاً تغییر کرد. مهم‌ترین مسئله از بر دست راست خدای پدر نشستن عیسی - همانطور

که پطرس رسول در روز پنتیکاست، در باب ۲ اعمال، موعظه کرد - این بود که او روح القدس خود را به همان نحوی که در کتاب یوئیل نبوت شده بود بر قوم خود نازل کرد. و سکونت روح القدس در یهودیان، و - که البته برای یهودیان جای تعجب و حتی در ابتدا شوکه کننده بود - در غیر یهودیان، نشان این است که پادشاهی خدا دیگر متشکل از ملت اسرائیل، نوادگان جسمی ابراهیم، نیست بلکه همانطور که پولس در باب ۴ رومیان می گوید، متشکل از آنانی است که با ایمان نوادگان ابراهیم هستند. بنابراین، پادشاهی خدا متشکل از افرادی از تمام اقوام، ملل، و زبان ها است؛ هر کسی که به مسیح ایمان دارد، روح القدس را دریافت می کند و هر کسی که روح خدا را دارد، از سکونت و حکومت خدا در زندگی اش برخوردار است.

- دکتر کنستانتین کمپل

همانطور که در درس پیشین دیدیم، عیسی تعلیم داد که عصر پیمان جدید در طی زمان و در سه مرحله آشکار خواهد شد. نخست، تاسیس آن با آمدن اولیۀ مسیح انجام شد. در این مرحله، مسیح بسیاری از انتظارات پیمان جدید را تحقق بخشید، اما نه همه آنها را. بعد در تداوم، عصر پیمان جدید برای دوره ای نامعین از زمان، از طریق تاریخ کلیسا ادامه خواهد یافت. در این مرحله، عیسی انتظارات بیشتری از پیمان جدید را تحقق می بخشد، اما همچنان نه همه آنها را. و نهایتاً، عصر پیمان جدید در بازگشت ثانوی مسیح تکمیل، و تمام انتظارات آن کاملاً محقق خواهد شد.

این تحقق سه لایۀ پیمان جدید، به ما کمک می کند تا دومین ویژگی اساسی الاهیات عهد جدید را درک کنیم. الاهیات عهد جدید نه تنها مسیح محور بود، بلکه همچنین به توضیح سیاست های این پیمان جدید همزمان با آشکار شدن آنها در این سه مرحله اختصاص داشت.

در واقع، نویسندگان عهد جدید مجبور بودند وقت خود را صرف تنظیم انتظارات از زندگی در پیمان جدید کنند. برای نمونه، بر خلاف انتظاراتی که با ارمیا باب ۳۱ ایجاد شد، متونی مانند متی ۶: ۱۲ و اول یوحنا ۱: ۹ توضیح می دهند که پیروان مسیح هنوز هم نیاز به بخشش دارند چون آنها هنوز قانون خدا را نقض می کنند. همچنین در متونی مانند دوم قرتیان ۱۱: ۱۳ و غلاطیان ۲: ۴ می بینیم که در کلیسای پیمان جدید، ایمانداران دروغین در میان ایمانداران حقیقی باقی می ماندند. چطور اینها و عوامل دیگر از سیاست های آشکارشونده پیمان جدید تاثیر پذیرفتند؟ به نوعی، تمام جوانب الاهیات عهد جدید به پاسخ این پرسش اختصاص یافته است.

حال که دیدیم خدا چطور پادشاهی خود را از طریق نمایندگان عهد و سیاست های مناسب تاریخی اداره کرد، باید به بررسی بسط اساسی سیاست ها در عهدهای کتاب مقدسی بپردازیم.

بسط اساسی

وقتی ما از بسط اساسی سیاست‌های عهد صحبت می‌کنیم، منظورمان چیزی شبیه رشد یک درخت است. یک درخت در حین رشد خود از یک دانه تا بلوغ کامل تغییر می‌کند، اما همچنان همان موجود باقی می‌ماند. ما می‌توانیم به عهد‌های عتیق نیز به طریق مشابه نگاه کنیم. هر پیمان در عهد عتیق نمایندگان عهد متفاوتی داشت و بر سیاست‌های تمرکز می‌کرد که برای دوره‌ای خاص از تاریخ مناسب بودند. اما مثل یک درخت، علیرغم تغییرات یک پیوستگی اساسی وجود داشت.

ما ابتدا به بسط اساسی پیمان‌های خدا در عهد عتیق نگاه می‌کنیم. سپس، بسط اساسی از عهد عتیق به پیمان جدید را در نظر خواهیم گرفت. بیایید ابتدا با پیمان‌های عهد عتیق شروع کنیم.

عهد عتیق

هنگامی که به‌خاطر داشته باشیم سیاست‌های پیمان‌ها در طول تاریخ عهد عتیق ادامه پیدا کردند، می‌توانیم بسط اساسی پیمان‌های عهد عتیق را مشاهده کنیم. برای مثال، خدا از زمان آدم اینگونه مقرر ساخت که نژاد بشر، تصویر او، پادشاهی‌اش را در سرتاسر زمین گسترش دهند. این سیاست در طول زمان بسط پیدا کرد، اما هرگز کاملاً کنار گذاشته نشد.

از زمان نوح، خدا پایداری طبیعت را مقرر کرد تا برای تصویرهای سقوط‌کرده‌ی او مکانی امن باشد که به اهداف پادشاهی او خدمت کنند. این سیاست اداری با پیمان‌های بعدی به طرق مختلف تغییر کرد، اما خداوند هرگز آن را کنار نگذاشت.

از زمان ابراهیم، اسرائیل به عنوان قوم برگزیده‌ی خداوند از مزایا و مسئولیت‌هایی ویژه بهره‌مند شد. این نقش ویژه با عهد‌هایی که بعدها اضافه شدند بسط پیدا کرد، اما هرگز از اداره‌ی پادشاهی خدا ناپدید نشد. از زمان موسی، شریعت نقش راهنمای اسرائیل را ایفا کرد. نحوه‌ی به‌کارگیری این شریعت در زمان اضافه شدن پیمان‌های دیگر تغییر کرد اما هرگز لغو نشد.

و از زمان داوود، خاندان سلطنتی داوود قوم خدا را در خدمت‌شان به پادشاهی راهبری می‌کرد. اگرچه این راهبری با پیمان جدید و مقام پادشاهی عیسی تغییر کرد، اما هرگز کنار گذاشته نشد.

الگوی بسط اساسی‌ای که در عهد عتیق می‌بینیم با پیمان جدید در مسیح ادامه پیدا کرد و به طور اساسی از پیمان‌های پیشین بسط یافت.

پیمان جدید

بیایید یک بار دیگر به ارمیا ۳۱:۳۱ نگاه کنیم که خدا گفت:

اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهیم بست (ارمیا ۳۱: ۳۱).

بسیاری اوقات، مسیحیان عبارت «پیمان جدید» را به معنای پیمان جدیدی کاملاً متفاوت و منفصل از پیمان‌های پیشین در کتاب مقدس به کار برده‌اند. با این حال، مهم است بدانیم که واژه «جدید»، ترجمه اصطلاح عبری چاداش (châdash) است. متونی مانند اشعیا ۶۱: ۴، حزقیال ۳۶: ۲۶، و ایوب ۲۹: ۲۰ کاملاً روشن می‌کنند که این اصطلاح و اشکال محاوره‌ای مربوط به آن، به معنای «کاملاً جدید» نیست. بلکه این خانواده واژگانی در معنای «تمدید شده»، «بازسازی شده»، «دوباره ساخته شده»، یا «تازه شده» است.

این دیدگاه از سوی این حقیقت پشتیبانی می‌شود که خدا گفت پیمان جدید «خاندان اسرائیل و خاندان یهودا» بسته خواهد شد. به عبارت دیگر، پیمان جدید یک پیمان تمدید شده ملی با فرزندان ابراهیم و غیر یهودیانی است که پس از پایان تبعید اسرادیل در این خانواده پذیرفته شدند.

البته، پیمان جدید مانند هر یک از پیمان‌های عهد عتیق، سیاست‌هایی مقرر کرد که مناسب جایگاه آن در تاریخ بودند. این سیاست‌های جدید از طریق مسیح و رسولان و انبیای او آشکار شدند. اما مانند هر یک از پیمان‌های عهد عتیق، پیمان جدید نیز سیاست‌هایی که خدا در اجرای پیمان‌های پیشین مقرر ساخته بود را تمدید، بازسازی، نو یا تازه کرد.

وقتی درباره پادشاهی خدا در سرتاسر کتاب‌های کائنی کتاب مقدس و تاریخ رستگاری فکر می‌کنیم، تغییراتی در اجرای آن طی پیمان‌های کتاب مقدسی و تکمیل آنها در مسیح وجود دارد. بنابراین، برای نمونه، به ویژه در عهد عتیق وقتی خدا نقشه نجات بخش خود را از طریق قوم اسرائیل و پیمان قدیم به انجام می‌رساند، او عمدتاً با یک قوم کار می‌کند، عمدتاً از طریق حاکمیت دینی یا تئوکراسی کار می‌کند، یک نمود مرئی در نظر قومی که از طریق آنها ماشیح ظهور می‌کند، عیسای خداوند ظهور می‌کند. و شما می‌بینید که بخش عمده اداره آن پادشاهی به محل، مکان، سرزمینی خاص تحت، حاکمیت و دولتی خاص و مواردی نظیر این گره خورده است. و بعد وقتی به تحقق آن در مسیح فکر می‌کنید، در گذار پادشاهی به پیمان جدید تغییراتی ایجاد می‌شود. مسیح به طور واضح پادشاه است. او همان کسی است که الگو و سایه‌های عهد عتیق را محقق می‌کند. او نقش داوود و موسی را تکمیل می‌کند. او کسی است که در زندگی، مرگ و رستاخیز او پادشاهی آغاز می‌شود، حاکمیت نجات بخش خدا را به این جهان می‌آورد، و بعد یک جامعه جهانی را به وجود می‌آورد — چیزی که ما آن را کلیسا می‌خوانیم، یک انسان جدید، یهودی و غیر یهودی در کنار هم — بنابراین او اکنون در کلیسا و از طریق آن حکومت می‌کند... اینکه مردان و زنان، دختران و پسران ایمان می‌آورند و توبه می‌کنند، قانون معنوی و حاکمیت مسیح است. وقتی آنها ایمان می‌آورند،

وارد پادشاهی می‌شوند. تحت حاکمیت نجات‌بخش خدا می‌آیند. پادشاهی خدا اکنون بین‌المللی است؛ جایی که حاکمیت خدا مردم را از هر قوم و قبیله و نژاد و زبان گرد هم می‌آورد. و خودش را در کلیسای محلی نشان می‌دهد که نوعی حاکمیت دینی در آن وجود دارد و مسیح بر قوم خود در کلیسای محلی حکومت می‌کند؛ اما نه دقیقاً به همان روشی که در اسرائیل قدیم بود.

- دکتر استفان ولوم

هنگامی که ما به مدیریت خدا در پادشاهی خود فکر می‌کنیم و اینکه چگونه ممکن است تغییر کند، مطمئناً نمی‌خواهیم او را مانند یک دیوان‌سالار باستانی ببینیم که می‌کوشد به یک سیستم جدید فکر کند چون نظام قبلی کارآمد نبود و انگار که او یک برنامه‌ی جایگزین دارد. نمی‌تواند اینطور باشد. اهداف او باید ثابت باشند. بنابراین فکر می‌کنم بهترین روش این است که فرض کنیم اصول عملیاتی او نسبتاً مشابه باشند و سپس تشخیص بدهیم که چه تغییراتی ممکن است ایجاد شده باشد. این مورد، فکر می‌کنم این حقیقت که دیگر عیسی حضور فیزیکی ندارد مهم است؛ چون اینجا روح‌القدس وارد می‌شود تا نه تنها کلیسا را به عنوان مرکز فیزیکی حضور عیسی توانمند کند، بلکه با روح عیسی همراه شود تا پیام و ماموریت او را به تمام دنیا برساند. حال، این تغییر در این پیمان وجود دارد که آنچه قبلاً تحت جسم انجام می‌شد، اکنون با قدرت روح‌القدس انجام می‌شود تا هدف عهد عتیق - خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما و همسایه‌ات را مانند خودت محبت کن - حالا ایمانداران قدرت دارند تا آن را انجام دهند.

- دکتر شان مک‌دانا

بسط اساسی بین پیمان‌های عهد عتیق و پیمان جدید، ما را به سوی یک دیدگاه سوم مهم درباره‌ی الاهیات عهد جدید رهنمون می‌کند. الاهیات عهد جدید علاوه بر مسیح‌محوری و تمرکز بر سیاست‌هایی که مناسب آشکارسازی سه‌لایه‌ی پادشاهی مسیح بودند، همچنین بر پایه‌ی الاهیات عهد عتیق قرار داشت. الاهیات عهد جدید در هسته‌اش، یک ایمان جدید نبود. بلکه نویسندگان عهد جدید، تعالیم عهد عتیق را در نور مکاشفه‌ی خدا در مسیح به کار بستند. از همین رو عهد جدید نسبتاً کم‌حجم است. عهد جدید، فرض خود را بر اعتبار پایدار عهد عتیق می‌گذارد. همچنین به همین دلیل است که نویسندگان عهد جدید صدها بار برای پشتیبانی از دیدگاه‌های الاهیاتی خود به عهد عتیق رجوع کردند. بنابراین، وقتی می‌گوییم که الاهیات عهد جدید، الاهیات پیمان جدید است، منظورمان این نیست که به نوعی جدا از عهد عتیق است. بر عکس، هر جنبه‌ای از الاهیات عهد جدید با الاهیات عهد عتیق پیوسته و بر پایه‌ی آن است.

تا به اینجا در این درس دربارهٔ الاهیات پیمان جدید، به بررسی ادارهٔ پادشاهی خدا پرداختیم. اکنون باید به سراغ دومین موضوع عمده در این درس برویم: یعنی تعامل پویا بین خدا و قوم او در پیمان جدید.

تعامل پویا

نویسندگان عهد جدید از راه‌های بی‌شمار به توصیف تعامل بین خدا و قوم عهد او پرداختند. آنها به فیض و غضب خدا اشاره کردند. آنها خواستار اطاعت شدند و علیه نافرمانی هشدار دادند. توضیح دادند که چطور خدا از برخی افراد محافظت می‌کند و دیگران را به رنج کشیدن می‌خواند. اینها و بسیاری ارجاعات مستقیم و غیر مستقیم دیگر به تعاملات بین خدا و قوم او، چند پرسش جدی به وجود می‌آورند. چه دیدگاه‌های الیهاتی‌ای تحت تاثیر این تنوع قرار گرفته‌اند؟ نویسندگان عهد جدید چه درکی از آنها داشتند؟ آنها چه رویکردی به پویایی تعامل الاهی و انسان پیش گرفتند؟

یک بار دیگر با پس‌زمینهٔ معاهدات ارباب-رعیتی خاور نزدیک باستان شروع می‌کنیم. به طور کلی، این معاهدات بر سه ویژگی تعاملات بین پادشاهان بزرگ و حاکمان محلی متمرکز بودند. نخست، پادشاهان بزرگ همیشه مدعی آن بودند که نسبت به رعیت خود سخاوتمندی نشان داده‌اند. دوم، پادشاهان بزرگ همچنین راه‌های مشخصی برای اثبات وفاداری رعیت‌شان مقرر کردند. و سوم، پادشاهان بزرگ نتایج برکات و لعنت‌هایی که رعیت‌شان می‌توانست در ازای اطاعت و نافرمانی انتظار بکشد را بیان کردند. حال، لازم به ذکر است که پادشاهان بزرگ همیشه حق اجرای شرایط پیمان‌ها به صلاحدید خود را برای خویش محفوظ می‌داشتند. اما به طور کلی، سخاوتمندی، وفاداری، و نتایج، اصول اصلی‌ای را شکل می‌دادند که این ارتباطات عهدی به وسیلهٔ آنها اداره می‌شدند. و همانطور که به زودی خواهیم دید، همین عناصر در تعامل پویای الاهی و انسان، در عهدهای کتاب‌مقدسی ظاهر می‌شوند. باید در نظر داشته باشیم که چطور خدا به عنوان پادشاه عالی، کسی بود که شرایط تحقق پویایی پیمان‌هایش را تعیین کرد. و او این را بر اساس حکمت بی‌نظیر خود انجام داد، نه بر اساس معیار انتظارات انسانی. به همین دلیل است که کتاب‌مقدس توضیح می‌دهد تعاملات خدا با قوم خود معمولاً فرای درک بشری هستند. اما همانطور که متونی مانند تثیبه ۲۹: ۲۹، اشعیا ۵۵: ۸-۹، تعدادی از مزامیر و تمامیت کتبی مانند ایوب و جامعه به ما یادآوری می‌کنند، راه‌هایی که خدا برای اجرای پویایی پیمان به کار بست، همیشه حکیمانه و نیکو بودند.

در بررسی تعامل پویا بین خدا و قوم او، نخست به سخاوتمندی الاهی خدا نسبت به قوم خویش دقت خواهیم کرد. دوم، خواهیم دید که چطور عهدهای کتاب‌مقدسی شامل آزمون‌های وفاداری برای قوم عهد خدا

می‌شدند. و سوم، به نتایج برکات و لعنت‌های اطاعت و نافرمانی خواهیم پرداخت. بیا بید با سخاوتمندی الاهی شروع کنیم.

سخاوتمندی الاهی

ما به عنصر سخاوتمندی الاهی هم در پیمان‌های عهد عتیق و هم در پیمان جدید نگاه خواهیم کرد. بیا بید ابتدا سخاوتمندی الاهی در پیمان‌های عهد عتیق را در نظر بگیریم.

عهد عتیق

عهد عتیق کاملاً روشن می‌کند که سخاوتمندی یا مهربانی خدا، آغازگر و حافظ روابطی بودند که با عهدهای او ایجاد شدند. برای شروع، خدا در عهد بنیادها، به آدم به عنوان نماینده عهد خویش سخاوتمندی الاهی نشان داد. پیش از سقوط آدم در گناه، خدا با خلق باغ عدن و قرار دادن او در آنجا به عنوان تصویر خود، به او مهربانی نشان داد. و همچنین بعد از سقوط آدم و حوا در گناه، اولین والدین ما، فیض نجات‌بخش خود را شامل حال آنان کرد. به علاوه، آدم نماینده تمام نژاد بشری در محکمه خدا بود. بنابراین، مهربانی‌ای که خدا به آدم نشان داد، به قوم عهدی که او نماینده‌شان بود نیز منتقل شد. خدا به نوعی، به تمام مردم از جمله غیر ایمانداران، فیض عمومی نشان داد. و خدا به ایمانداران حقیقی مانند هابیل، ست، و بسیاری دیگر فیض نجات‌بخش خود را نیز نشان داد. نوح نیز به عنوان نماینده عهد خدا در پیمان پایداری، در سرتاسر حیات خود سخاوتمندی الاهی را دریافت کرد - هم فیض عمومی و هم فیض نجات‌بخش. و درست مانند عهد آدم، مهربانی‌ای که خدا به نوح نشان داد نیز به قوم عهدی که او نماینده‌شان بود انتقال پیدا کرد: یعنی تمام بشر. خدا به طرق متنوعی فیض عمومی خود را به تمام مردم نشان داد. و به ایمانداران حقیقی، به ویژه دودمان سام، فیض نجات‌بخش خویش را نیز نشان داد. ابراهیم نیز به عنوان نماینده عهد خدا در پیمان برگزیدگی اسرائیل، سخاوتمندی الاهی را در فیض عمومی و فیض نجات‌بخش دریافت کرد. مهربانی‌ای که خدا به ابراهیم نشان داد نیز به قوم عهدی که او نمایندگی‌شان می‌کرد انتقال یافت: یعنی اسرائیلیان و امت‌هایی که در خانواده اسرائیل پذیرفته می‌شدند. خدا به صلاح‌دید خویش، به قوم تحت این عهد، از جمله غیر ایماندارانی مانند عیسو، فیض عمومی نشان داد. اما خدا همچنین فیض نجات‌بخش خود را شامل حال بسیاری از شخصیت‌های وفادار مانند یعقوب و یوسف ساخت.

همانطور که داستان‌های زندگی موسی به ما می‌گویند، خدا به طرق منحصر بفردی سخاوتمندی الاهی فیض عمومی و نجات‌بخش را به موسی، به عنوان نماینده عهد در پیمان شریعت نشان داد. و آن مهربانی که خدا به موسی نشان داد، به قوم تحت نمایندگی او نیز انتقال پیدا کرد: یعنی به ملت اسرائیل و آنانی که در اسرائیل پذیرفته

شدند. همه قوم اسرائیل از فیض عمومی خدا بهره‌مند شدند؛ حتی آنانی که ایمان نجات‌بخش نداشتند. و خدا همچنین فیض نجات‌بخش خود را به بسیاری از آنانی که در اسرائیل بودند و در اسرائیل پذیرفته شدند، نشان داد. پس از همه، داوود به طرق ویژه‌ای سخاوتمندی الاهی را در فیض عمومی و فیض نجات‌بخش به عنوان نماینده عهد خدا در پیمان پادشاهی دریافت کرد. و رحمتی که خدا به داوود نشان داد، به تمام مردمی که او نمایندگی‌شان می‌کرد نیز منتقل شد: یعنی نسل سلطنتی او، قوم اسرائیل، و همه غیر یهودیانی که در اسرائیل پذیرفته شدند. بر اساس حکمت غیر قابل انکار خدا، همه آنها از جمله غیر ایمانداران در اسرائیل، فیض عمومی خدا را تجربه کردند. اما ایمانداران حقیقی در اسرائیل، فیض نجات‌بخش خدا را نیز دریافت کردند. سخاوتمندی الاهی خدا نسبت به قوم خود در سرتاسر عهد عتیق، زمینه را برای راه‌هایی نیز آماده کرد که سخاوتمندی خدا، پویایی پیمان جدید را تحت تاثیر قرار داد.

پیمان جدید

عهد جدید در وهله نخست، توجهات را به سخاوتمندی خدا نسبت به مسیح، نماینده پیمان جدید جلب می‌کند. باید روشن کنیم که عیسی، مانند آدم پیش از سقوط در گناه، هرگز نیازی به رحمت، بخشش یا فیض نجات‌بخش از طرف خدا نداشت. با این وجود، متونی مانند متی ۳: ۱۶-۱۷، متی ۱۲: ۱۸، و لوقا ۳: ۲۲ نشان می‌دهند که پدر عیسی را با روح خود در زمان تاسیس پادشاهی‌اش مسح کرد تا او را در خدمت خود قدرت ببخشد. در حقیقت، با توجه به رومیان ۸: ۱۱، با قدرت روح‌القدس بود که پدر عیسی را از مردگان برخیزانید. علاوه بر این، بر طبق مزمور ۲: ۴-۶، متی ۲۸: ۱۸، و اعمال ۲: ۳۱-۳۳، سخاوتمندی پدر نسبت به عیسی او را به مرتبه کنونی‌اش از اقتدار و قدرت در طی تداوم پادشاهی‌اش ارتقا داده است. و این رحمت منجر به مزایا و جلالی خواهد شد که مسیح در زمان تکمیل پادشاهی‌اش دریافت می‌کند.

در وهله دوم، عهد جدید بر چیزی تمرکز می‌کند که الاهدانان مسیحی غالباً آن را «اتحاد با مسیح» می‌خوانند. این تعلیم روشن می‌کند که سخاوتمندی نسبت به مسیح، همچنین بر کلیسا، یعنی قوم عهدی که او نمایندگی‌شان می‌کند، تاثیر می‌گذارد.

اتحاد ایمانداران با مسیح، دو جنبه دارد. از یک سو، ما «در مسیح» هستیم. این یعنی چون مسیح نماینده عهد ماست، قوم عهد جدید در دادگاه آسمانی خدا با مسیح شناخته می‌شوند. بنابراین، از جهات زیادی آنچه درباره مسیح صدق می‌کند، درباره تمامی آنانی که او در دادگاه آسمانی نمایندگی‌شان می‌کند نیز حقیقت دارد. این همان چیزی است که وقتی پولس در افسسیان ۱: ۱۳ نوشت، در نظر داشت:

شما نیز وقتی پیام حقیقت یعنی مژده نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با او متحد شدید (افسیان ۱: ۱۳، ترجمه شریف).

اما از سوی دیگر، عهد جدید تنها از «در مسیح» بودن ایمانداران صحبت نمی‌کند. همچنین از «مسیح در ما» نیز صحبت می‌کند. این یعنی مسیح حاضر است و از طریق روح القدس در تجربیات روزانه ما بر زمین در میان ایمانداران کار می‌کند. به رومیان ۸: ۱۰-۱۱ گوش کنید:

اگر مسیح در شما است، جسم به سبب گناه مرده است و اما روح، به سبب عدالت، حیات است. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدن‌های فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است (رومیان ۸: ۱۰-۱۱).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، اگرچه نویسندگان عهد جدید تصدیق کردند که کلیسا با مسیح در آسمان شناخته می‌شود، اما آنها همچنین می‌دانستند که عصر پیمان جدید هنوز به کمال خود نرسیده است. در نتیجه، زندگی در پیمان جدید اکنون با آنچه در زمان بازگشت مسیح خواهد بود تفاوت دارد. برای نمونه، اکنون قوم عهد خدا به گناه ادامه می‌دهند. علاوه بر این، ایمانداران دروغین - آنانی که ایمان نجات‌بخش ندارند - در کلیسای مرئی و در بین ایمانداران حقیقی باقی می‌مانند. تنها در تکمیل پادشاهی است که عمل مسیح در ما کامل می‌شود. به همین دلیل، عهد جدید تعلیم می‌دهد که پیش از بازگشت مسیح، خدا به تمام افراد در کلیسای مرئی، از جمله ایمانداران دروغین، فیض عام نشان می‌دهد. در حقیقت، متونی مانند یوحنا ۱۵: ۱-۶ و عبرانیان ۶: ۴-۶ روشن می‌کنند که اگرچه غیر ایمانداران اغلب رحمت‌های بزرگ موقت خدا را تجربه می‌کنند، اما فیض نجات‌بخش دریافت نمی‌کنند. اما در عین حال، خدا حتی همین اکنون فیض نجات‌بخش را به ایمانداران حقیقی نشان داده است. بنابراین دیگر جای تعجب ندارد که هر جنبه‌ای از الاهیات عهد جدید در قالب سخاوتمندی الاهی قرار دارد.

هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید می‌بینیم که خداوند اعلام می‌کند او نسبت به تمام مردم مهربان است؛ نسبت به بد و خوب، عادل و ظالم، نسبت به آنانی که فرزندانش هستند و آنانی که نیستند. خداوند به این شکل مهربان است: در وهله اول، او علیرغم اینکه همه ما گناهکار هستیم، ما را بلافاصله نابود نمی‌کند. او به ما اجازه می‌دهد تا به فیض او زندگی کنیم. در وهله دوم، او به ما برکت باران را می‌بخشد، و باران هم بر مزرعه گناهکاران و هم بر مزرعه نجات‌یافتگان می‌بارد. همچنین می‌دانیم که آفتاب باعث رشد گیاهان می‌شود و به عادل و ظالم حیات می‌بخشد. این یعنی خدا نسبت به تمام مخلوقات مهربان است، خوب و بد. و نیز به همه ما این فرصت را می‌دهد

که تشخیص بدهیم او کیست. خداوند به ما می‌گوید که از رحمت خود، به آنانی که پیرو او نیستند و حتی او را انکار می‌کنند، این فرصت را می‌دهد که پیام او را بشنوند، و کلام او را مطالعه کنند تا نجات بیابند. بنابراین خدا حتی نسبت به آنانی که وجود او را انکار می‌کنند، مهربان است. و به آنانی که به او تعلق دارند، وعده می‌دهد که همیشه در دسترس آنان است و همیشه آنان را برکت می‌دهد.

- دکتر آلوین پادیلا

همانطور که پولس در افسسیان ۲: ۸ می‌گوید:

زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست (افسسیان ۲: ۸).

حال که دیدیم که چطور تعامل پویا بین خدا و قوم او شامل نمایش سخاوتمندی الهی می‌شود، باید ببینیم که زندگی در عهد با خدا چطور مستلزم آزمون‌های وفاداری نیز می‌شود. این ملزومات اطاعت وضعیت قلب کسانی را که در عهد با خدا هستند آشکار می‌کند.

آزمون‌های وفاداری

در اینجا باید اشاره کنیم که در قرن بیستم، بسیاری از محققان شروع به مقایسه عهدهای کتاب مقدسی با دسته‌ای دیگر از متون خاور نزدیک باستان کردند که اغلب «بخشش‌های ملوکانه» خوانده می‌شوند. در این بخش‌ها، یک ارباب به یک رعیت یا شخص زیر دست خود امتیازاتی می‌بخشید. تحقیقات اولیه منجر به این نتیجه‌گیری شد که برای دریافت‌کنندگان این امتیازات، تعهد یا الزام یا آزمون وفاداری‌ای وجود نداشت. و در نتیجه، تعدادی از مفسرین کتاب مقدس اظهار می‌کنند برخی از عهدهای کتاب مقدسی مستلزم وفاداری از سوی قوم خدا نبودند. اما تحقیقات موخر نقطه مقابل این را نشان می‌دهند. ما اکنون می‌دانیم که حتی بخشش‌های ملوکانه نیز مستلزم خدمت وفادارانه از طرف دریافت‌کنندگان بودند. بنابراین، وقتی کلام خدا به ما می‌گوید که خدا وفاداری قوم خود را در هر عهد کتاب مقدسی، از جمله پیمان جدید آزمود، نباید تعجب کنیم.

وقتی می‌گوییم خدا وفاداری ما را به عنوان بخشی از زندگی در پیمان جدید مورد آزمایش قرار می‌دهد، باید از برخی کج‌فهمی‌های جدی اجتناب کنیم. نخست، در سرتاسر کتاب مقدس هرگز هیچ گناهکاری با اعمال نیکو، نجات کسب نکرده است. ما هرگز با تلاش‌های خودمان به کمالی که برای دریافت برکات ابدی خدا لازم است نخواهیم رسید. دوم، هر کار نیکویی که ما انجام می‌دهیم، از طریق فیض خدا میسر می‌شود که درون ما عمل می‌کند. ما جدا از رحمت خدا و قدرت روح او، هیچ کار نیکویی نمی‌توانیم انجام بدهیم. و سوم، همچنان باید درک

کنیم که خدا همیشه قوم عهد خود را به اطاعت فراخوانده است. هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید، خدا قلوب قوم خود را از طریق پاسخ آنها به فرامین خود آزمود و نشان داد.

چیزی که من می‌خواهم همه ایمانداران به مسیح بدانند این است که رابطه شخصی با خدا در عهد جدید آغاز نشد. این تحقق یک وعده دیرین «من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من» بود. این یک قاعده از همان ابتدا بود، می‌دانید، از باغ عدن، از باب ۱۲ پیدایش، از زمان ایجاد یک قوم عهد. و بنابراین، ارادت باطنی منشأ اطاعت است، نتیجه اطاعت نیست. جدا از اطاعت نیست... ما از خدا اطاعت می‌کنیم چون او ما را محبت کرد، چون او ما را درگیر کرد، چون او ما را شکل داد، چون او در تمام دره‌ها، بیابان‌ها، و پیروزی‌ها با ماست. بنابراین، اطاعت نتیجه یک رابطه است، نه یک قاعده.

- دکتر جوئل هانتز

برای اینکه ببینیم منظورمان چیست، نحوه نمایش آزمون‌های وفاداری‌ای که در پیمان‌های عهد عتیق به چشم می‌خورند را خلاصه‌وار مطرح می‌کنیم. و بعد به آزمون‌های وفاداری در پیمان جدید نگاه می‌کنیم. بیایید با عهد عتیق شروع کنیم.

عهد عتیق

هر کسی که با کتاب مقدس آشنایی دارد می‌داند که خدا آدم را به عنوان نماینده عهد از طریق فرامینش در باغ عدن آزمود. و همچنین می‌دانیم که خدا قوم عهد خود در آدم را به وفاداری فرا خواند: یعنی تمامی نسل بشر را.

نوح نیز به عنوان نماینده عهد خدا پیش و پس از سیل مورد آزمایش قرار گرفت. و کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا به آزمایش قلوب قوم عهد خود در نوح ادامه داد - دوباره، تمامی نسل بشر.

داستان‌های زندگی ابراهیم روشن می‌کنند که خدا چطور وفاداری پاتریارک را به عنوان نماینده عهد خود از طرق متعددی آزمایش کرد. فقط به عنوان یک مثال، پیدایش ۲۲: ۱-۱۹ صریحا به ما می‌گوید که وقتی خدا به ابراهیم دستور تا پسرش اسحاق را قربانی کند، او را آزمایش کرد. در پیدایش ۲۲: ۱۲، فرشته خدا به ابراهیم گفت:

الآن دانستم که تو از خدا می‌ترسی، چون که پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی (پیدایش ۲۲: ۱۲).

در این متن می‌توانیم ببینیم که چرا خدا به ابراهیم دستور داد. او را آزمود تا وضعیت حقیقی قلب او را اثبات کند.

به طریق مشابه، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا وفاداری قوم عهد خود در ابراهیم را مورد آزمایش قرار داد: یعنی مردم اسرائیل و غیر اسرائیلیانی که در اسرائیل پذیرفته شدند. موسی در طول زندگی‌اش به عنوان نماینده عهد اسرائیل با فرامین خدا آزمایش شد. و خدا صریحا بیان کرد که شریعت را به قوم عهد خود، اسرائیل، بخشید تا آنها را امتحان کند. به تثیبه ۸: ۲ گوش کنید که موسی به مردم گفت:

و به یاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را دلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بداند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه (تثیبه ۸: ۲).

تقریبا به همین ترتیب، داستان‌های زندگی داوود نشان می‌دهد که خدا او را به عنوان نماینده عهد پادشاهی اسرائیل مورد آزمایش قرار داد. و همانطور که مابقی عهد عتیق بارها و بارها روشن می‌کند، خدا به آزمایش قوم عهد خود یعنی فرزندان داوود و ملت اسرائیل در همه نسل‌های‌شان ادامه داد. پس از اشاره به آزمون‌های وفاداری از سوی خدا در پیمان‌های عهد عتیق، اکنون بیایید به بررسی راه‌هایی بپردازیم که خدا وفاداری قوم خود در پیمان جدید را می‌آزماید.

پیمان جدید

حال همانطور که دیدیم، فیض خدا در پیمان جدید چنان نازل شد که پیش از آن در تاریخ کتاب مقدس نظیر نداشت. با این حال، همچنین واضح است که عهد جدید فرامین و دستورات بی‌شماری از سوی خدا دارد. چرا چنین چیزی صحت دارد؟ خُب، درست مانند پیمان‌های عهد عتیق، پیمان جدید نیز مستلزم آزمون‌های وفاداری است.

به همین دلیل، عهد جدید توجه زیادی به وفاداری مسیح به عنوان نماینده پیمان جدید مبذول می‌کند. عهد جدید به ما می‌گوید که در طی تاسیس پادشاهی، عیسی هر آزمون وفاداری‌ای که خدا از او خواست را با موفقیت پشت سر گذاشت. در عبرانیان ۴: ۱۵ می‌خوانیم:

رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه (عبرانیان ۴: ۱۵).

و به فیلیپیان ۲: ۸ گوش کنید که پولس به اطاعت چشمگیر مسیح اشاره کرد:

و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید (فیلیپیان ۲: ۸).

در الاهیات عهد جدید، نقطه اوج خدمت وفادارانه عیسی به خدا، مرگ داوطلبانه او بر صلیب بود. اما چرا این عمل مطیعانه بسیار چشمگیر بود؟

از زمانی که گناه وارد دنیا شد، خدا از طریق خون حیوانات قربانی، برای گناهان قوم عهد خود تدارکات موقتی دید. اما همانطور که عبرانیان ۱۰: ۱-۱۴ تعلیم می‌دهد، این قربانی‌ها قادر نبودند که بخشش نهایی و دائمی پادشاهی پیروزمند خدا را تضمین کند. و بنابراین، وقتی زمان تبعید اسرائیل نزدیک شد خدا در اشعیا ۵۳: ۱-۱۲ مکشوف ساخت که خواستار مرگ داوطلبانه خادم خداوند، ماشیح، به عنوان کفاره گناهان قوم خود بود. نماینده عهد پادشاهی خدا با مرگ خود، قوم او را به جلال پادشاهی پیروزمند ابدی خویش منتقل می‌کرد. عیسی این نقش را در زمان تاسیس پادشاهی با سپردن داوطلبانه خود به مرگ بر صلیب محقق کرد. ما این را در متونی مانند متی ۸: ۱۷؛ اعمال ۸: ۳۲-۳۳؛ رومیان ۶: ۱۰؛ و اول پطرس ۲: ۲۲-۲۵ می‌بینیم. عیسی با پشت سر گذاشتن این آزمون وفاداری به عنوان نماینده پیمان جدید، به تمام آنانی که به او ایمان می‌آورند فدیة پایدار و بخشش ابدی ارزانی کرد.

علاوه بر مرگ عیسی بر صلیب، متونی مانند عبرانیان ۸: ۱-۲ همچنین اشاره می‌کنند که مسیح، به عنوان پسر داوود، در طول تداوم پادشاهی خود مطیعانه در آسمان خدمت می‌کند. و اول قرتیان ۱۵: ۲۴ تعلیم می‌دهد که وقتی مسیح در زمان تکمیل پادشاهی در جلال برگردد، به عنوان یک عمل فروتنانه پادشاهی را به خدای پدر تحویل می‌دهد.

حال، به همان میزانی که الاهیات عهد جدید بر وفاداری تمام عیار مسیح به عنوان نماینده پیمان جدید تاکید دارد، بر این موضوع نیز صحنه می‌گذارد که آزمون‌های وفاداری هنوز برای کلیسا، یعنی قوم پیمان جدید، ادامه دارد.

یک بار دیگر، مفید است که آزمون‌های وفاداری را در مضمون اتحاد کلیسا با مسیح درک کنیم. از یک سو، کلیسا «در مسیح» است به این معنا که ما با او در حضور خدا و دادگاه آسمانی‌اش شناخته می‌شویم. و مطابق اول تیموتائوس ۳: ۱۶، مسیح کسی بود که آزمون وفاداری را بی‌نقص پشت سر گذاشت و وقتی که روح‌القدس او را از مرگ برخیزانید تصدیق شد. به همین دلیل، همانطور که رومیان ۴: ۲۳-۲۵ تعلیم می‌دهد این تصدیق قانونی مسیح در دادگاه آسمانی به حساب تمام کسانی که به وی ایمان نجات‌بخش دارند نیز گذاشته می‌شود. ایمانداران

حقیقی در مسیح به گونه‌ای داوری می‌شوند که گویی آزمون را پشت سر گذاشته‌اند چون مسیح آزمون را به جای ما پشت سر گذاشت. این حقیقت شگفت‌انگیز دربارهٔ مسیح در دادگاه آسمانی خدا پایه‌های دیدگاه الاهیاتی عهد جدید است که الاهدانان پروتستان آن را «سولا فیده» یا مبراشمردگی به ایمان فقط می‌خوانند.

در سوی دیگر اما، اتحاد با مسیح به تجربهٔ روزانهٔ ما از «مسیح در ما» اشاره دارد. در حالی که کلیسا پیش از بازگشت مسیح در جلال هنوز روی زمین وجود دارد، مردم درون کلیسا آزمون‌های وفاداری‌ای را تجربه می‌کنند که وضعیت قلبی آنها را اثبات می‌کند. و روح مسیح درون ایمانداران حقیقی کار می‌کند تا ما را مقدس بسازد. این سوی اتحاد ما با مسیح با آموزهٔ سنتی پروتستان تقدیس، یا تعاقب پیش‌روندهٔ قدوسیت مطابقت دارد. و کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که آزمایش‌ها، راهی است که خدا ما را در آن به سوی تقدیس حرکت می‌دهد. همانطور که یعقوب ۱: ۲-۳ می‌گوید:

ای دوستان من، هرگاه دچار آزمایشات گوناگون می‌شوید بی‌نهایت شاد باشید، چون می‌دانید اگر خلوص ایمان شما در آزمایش ثابت شود بردباری شما بیشتر می‌شود (یعقوب ۱: ۲-۳، ترجمهٔ شریف).

حال، یک بار دیگر باید به یاد داشته باشیم که در طی تاسیس و تداوم پادشاهی مسیح، کلیسای مرئی هم از ایمانداران دروغین و هم ایمانداران حقیقی تشکیل شده است. و از طریق آزمون وفاداری است که هر دو گروه نشان می‌دهند که آیا ایمان نجات‌بخش دارند یا نه. ایمانداران دروغین در آزمون وفاداری شکست می‌خورند و از خدمت مسیح رویگردان می‌شوند. در مقابل، ایمانداران حقیقی اگرچه در این زندگی کامل نیستند، اما در وفاداری‌شان به مسیح از طریق قدرت روح القدس پایداری می‌کنند. همانطور که در اول یوحنا ۲: ۱۹ دربارهٔ ایمانداران دروغین می‌خوانیم:

این دشمنان مسیح از بین ما رفته و از میان ما بیرون رفتند. آنها در واقع هیچ وقت به ما تعلق نداشته‌اند. اگر متعلق به ما می‌بودند، می‌ماندند، اما رفتند تا معلوم گردد که هیچ یک از آنها در حقیقت از ما نبودند (اول یوحنا ۲: ۱۹، ترجمهٔ شریف).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، الاهیات عهد جدید شامل دستورات فراوانی از سوی خدا به عنوان آزمون‌های وفاداری است تا آنانی را که حقیقتاً متعلق به بدن ایمانداران حقیقی هستند، اثبات کند.

در شبی که به عیسای مسیح خیانت شد، او پیمان جدیدی را آغاز کرد. و مانند همه پیمان‌ها این پیمان نیز شامل تعهد متقابل و تکالیف دو جانبه است. و یکی از اساسی‌ترین تعهدات ما در این پیمان شگفت‌انگیز، تعهد به خداوندی عیسای مسیح است، تعهد به اطاعت از اراده و راه‌های او، تا شمشیرهای مان را تسلیم خداوندی حقیقی او کنیم، و این را از راه‌های حقیقی زندگی کنیم؛ هم در وضعیت قلبی مان و هم در اشتیاق مان در پیروی از قلب خدا در دنیا. اما یکی از مواردی که قطعاً لازم است در اینجا اضافه کنیم این است که تحقق تعهدات عهد ما امروزه تحقق زندگی در حضور و قدرت روح القدس هستند. و روح القدس وضعیت آن اطاعت را تغییر می‌دهد و به چیزی فرای یک وظیفه پر زحمت ارتقا می‌بخشد و بنابراین، در زبان کتاب مقدس، این عهد تبدیل به یک پیمان خرسندی متقابل می‌شود. آنکه مراقب ماست از ما خرسند است و ما از او متلذذ می‌شویم. و این به شما سرنخی می‌دهد که چرا یکی از رسولان می‌تواند بگوید پادشاهی خدا یک وظیفه پر زحمت نیست، بلکه عدالت و صلح و خوشی در روح القدس. بعضی از بزرگترین مقدسین به ما گفته‌اند که این تعهد پایدار و وفادار به خداوندمان چیزی نیست که با اکراه به جا بیاوریم، بلکه مشتاقانه و با تمامی دل، چون او ما را برنده ساخته است و او و راه‌هایش برای مان دلپذیر است.

- دکتر گلن اسکورجی

حال که پویایی تعامل در پیمان جدید را در ارتباط با سخاوتمندی الهی و آزمون‌های وفاداری دیدیم، باید به سراغ سومین اصل برویم. بیایید به بررسی نتایج برکات و لعنت‌های اطاعت و نافرمانی بپردازیم.

نتایج

ما همسو با مباحث پیشین مان به نتایج اطاعت و نافرمانی در پیمان با خدا نگاه خواهیم کرد. به طور مختصر به بررسی پیمان‌های عهد عتیق، و سپس به پیمان جدید خواهیم پرداخت. بیایید نخست به نتایج برکات و لعنت‌ها در پیمان‌های عهد عتیق نگاه کنیم.

عهد عتیق

پیش از پیمان جدید، هم نتایج برکات و هم لعنت‌ها ابعادی اساسی از تعامل خدا با نمایندگان عهد خود و تمام قوم عهد به طور کلی بود. حال همانطور که اشاره کردیم، خدا معمولاً شرایط پیمان‌های خود را به شکلی اجرا کرد که فرای درک بشری بودند. بنابراین، در کتاب مقدس خدا غالباً در زمان‌ها و طرقتی که فرای قوه ادراک انسان بودند برکات و لعنت‌های پیمان‌های خود را تسریع کرد، افزایش داد، تقلیل بخشید، به تاخیر انداخت، و یا حتی باطل کرد. اما او همیشه اینها را مطابق با حکمت و نیکویی عالی خود انجام داد.

خدا در عهد بنیادها، آدم، نماینده عهد خود را، با رنج و مرگ در پاسخ به نافرمانی او لعنت کرد. اما همچنین برکات خدا به آدم را می‌بینیم. خدا در پیدایش ۳: ۱۵ پیروزی انسان بر نسل شیطان را وعده داد. و این لعنت مرگ و امید پیروزی، هر دو بر طبق صلاحدید خدا به قوم عهدی که آدم نمایندگی‌شان می‌کرد منتقل شد؛ یعنی نژاد بشری.

در عهد پایداری طبیعت، نوح به عنوان نماینده عهد، برای خدمت وفادارانه خود برکاتی دریافت کرد. اما او همچنین به رویارویی با لعنت‌هایی مانند مشکلات خانوادگی پس از سیل هم ادامه داد. برکات و لعنت‌های مشابهی به نسل‌های بعدی بشر رسید؛ یعنی قوم عهدی که نوح آنها را نمایندگی می‌کرد.

در عهد برگزیدگی اسرائیل، ابراهیم نیز به عنوان نماینده عهد خدا نتایج برکات و لعنت‌ها را دریافت کرد. این نتایج به قوم عهد اسرائیل و آنانی که در نسل‌های بعدی در اسرائیل پذیرفته شدند منتقل شد. به طریق مشابه، در عهد شریعت، موسی نیز به عنوان نماینده عهد برکات و لعنت‌های خدا را در زندگی‌اش دریافت کرد. به علاوه، شریعت موسی به بیان برکات و لعنت‌های مشخصی پرداخت که به قوم عهد اسرائیل و غیر یهودیان پذیرفته‌شده در اسرائیل می‌رسید.

در عهد پادشاهی، خود داوود به عنوان نماینده عهد، نتایج برکات و لعنت‌ها را در زمان وفاداری و بی‌وفایی‌اش دریافت کرد. همین موضوع درباره قوم عهدی که او نمایندگی می‌کرد، نسل سلطنتی‌اش، و قوم اسرائیل و غیر یهودیان پذیرفته‌شده در اسرائیل صادق بود.

ما مختصراً به نتایج برکات و لعنت‌ها در پیمان‌های عهد عتیق پرداختیم. اینها زمینه را برای آنچه نویسندگان عهد جدید درباره نتایج اطاعت و نافرمانی مرتبط با پیمان جدید در مسیح تعلیم داده‌اند، فراهم می‌کند.

پیمان جدید

الاهیات عهد جدید تأکید می‌کند که مسیح به عنوان نماینده پیمان جدید، هم لعنت‌ها و هم برکات خدا را تجربه کرد. همانطور که پولس در غلاطیان ۳: ۱۳ اشاره کرد، عیسی با رنج مرگ روی صلیب متحمل لعنت خدا برای گناهان تمام کسانی شد که به او باور دارند.

حال، عیسی به خاطر قصورات شخصی خودش تحت لعنت خدا قرار نگرفت. او هیچ گناه شخصی‌ای نداشت. اما به عنوان تحقق اشعیا ۵۳: ۱-۱۲، او به عنوان فدیة سلطنتی بی‌گناه متحمل داوری خدا برای تمام قوم خدا در همه اعصار شد. اما در نقطه مقابل، مسیح به خاطر عدالت شخصی خود برکات خدا را دریافت کرد. عیسی تنها انسانی است که خدا را بی‌نقص خدمت کرد و مستحق پاداش برکات ابدی خداست. به ارتباط بین اطاعت مسیح و برکت خدا در فیلیپیان ۲: ۸-۹ گوش کنید:

[مسیح] خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. از این جهت خدا نیز او را به غایت سرفراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامها است، بدو بخشید (فیلیپیان ۲: ۸-۹).

در الاهیات عهد جدید، رستاخیز و صعود مسیح در طی تاسیس پادشاهی او، پادشاهی عادلانه برای اطاعت تمام عیار او از خدا بودند. عیسی در حالی که بر دست راست خدای پدر بر تمام خلقت حکمرانی می‌کند، از برکت خدا در تمام طول دورهٔ تداوم پادشاهی خود متلذذ می‌شود. اما وقتی که او در زمان تکمیل پادشاهی‌اش میراث ابدی حکومت بر خلقت جدید را دریافت می‌کند، حتی بیشتر برکت می‌یابد.

اکنون، به همان اندازه که الاهیات عهد جدید عیسی را برای کسب برکت حکمرانی بر تمام آفرینش مورد ستایش قرار می‌دهد، می‌دانیم که عواقب پیمان جدید همچنین بر کلیسا نیز تاثیر می‌گذارد؛ یعنی قوم پیمان جدید. یک بار دیگر، آموزهٔ اتحاد با مسیح در عهد جدید به دو جنبهٔ این حقیقت اشاره می‌کند. از یک سو چون ما «در مسیح» هستیم، هر برکت ابدی خدا از هم‌اکنون به ایمانداران حقیقی اختصاص داده شده است. ایمانداران حقیقی می‌توانند با اطمینان در این حقیقت آرامش بیابند که آنها هرگز لعنت ابدی خدا را تجربه نخواهند کرد. برکات ابدی آنها محفوظ است چون مسیح نمایندهٔ عهد آنان است.

پولس وقتی ستایش مشهور خود در افسسیان ۱: ۳ را نوشت، همین مفهوم را در ذهن داشت:

مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح (افسیان ۱: ۳).

از آنجا که ما با مسیح در آسمان شناخته می‌شویم، ایمانداران حقیقی از هم‌اکنون «هر برکت روحانی» را دریافت کرده‌اند. درست همانطور که عیسی متحمل لعنت ابدی خدا به جای ما شد، همچنین پادشاه برکات ابدی را نیز به جای ما از خدای پدر دریافت کرد.

از سوی دیگر اما، اتحادمان با مسیح یعنی مسیح در ماست. یعنی او در ایمانداران واقعی مشغول کار است تا آنها عواقب اطاعت و نافرمانی را در زندگی روزمرهٔ خود تجربه کنند.

حال یک بار دیگر، باید به یاد داشته باشیم که تا بازگشت مسیح در جلال، کلیسای مرئی متشکل از ایمانداران حقیقی و دروغین است. و الاهیات عهد جدید توضیح می‌دهد که چطور عواقب برکات و لعنت‌ها در این زندگی و در ابدیت، در مورد هر دو گروه به کار برده خواهد شد.

متونی مانند لوقا ۱۲: ۴۵-۴۶ و رومیان ۲: ۴-۵ توضیح می‌دهند که همچنان که ایمانداران دروغین علیه خدا سرکشی می‌کنند، برکاتی که در این دنیا دریافت می‌کنند لعنت ابدی خدا علیه آنها در داوری نهایی را افزایش

می‌دهد. و سختی‌ها و لعنت‌هایی که در این زندگی تجربه می‌کنند فقط نوبر لعنت‌های ابدی‌ای هستند که آنها در بازگشت مسیح دریافت خواهند کرد.

در نقطهٔ مقابل، ایمانداران حقیقی هم برکات و هم لعنت‌ها را در این زندگی دریافت خواهند کرد. اما برکاتی که ایمانداران حقیقی در این زندگی دریافت می‌کنند، نوبر برکات ابدی‌ای هستند که در تکمیل پادشاهی فرا خواهند رسید. و همچنین برای ایمانداران حقیقی، آنطور که متونی مانند عبرانیان ۱۲: ۱-۱۱ به ما می‌گویند، دشواری‌های موقت یا لعنت‌ها، محبت‌های خدا و تادیب پدران هستند. این سختی‌ها ما را تقدیس می‌کنند و برکات ابدی‌ای را که ما در بازگشت مسیح دریافت خواهیم کرد افزایش خواهند داد. همانطور که در مکاشفه ۲۱: ۶-۸ می‌خوانیم، خدا می‌گوید:

من به هر که تشنه باشد، از چشمهٔ آب حیات، مفت خواهم داد. و هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود. لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت‌پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچهٔ افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی (مکاشفه ۲۱: ۶-۸).

در آن روز ایمانداران دروغین در کلیسای پیمان جدید به داوری نهایی محکوم خواهند شد. اما ایمانداران حقیقی میراث ابدی خود را در خلقت پر جلال جدید دریافت خواهند کرد.

اگر بخواهیم برکاتی را ببینیم که قوم خدا پس از داوری نهایی دریافت خواهند کرد، باید به باب‌های ۲۱ و ۲۲ مکاشفه، این تصاویر شگفت‌انگیز خلقت جدید در پایان دنیا برویم. و من این توصیف از خلقت جدید در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ را بسیار دوست دارم چون صرفاً یک تکرار از پیدایش، از باغ عدن، نیست؛ یک بازگشت به باغ عدن نیست. بلکه حقیقتاً یک تشدید از باغ عدن است. پویاست. بهتر از آن چیزی است که عدن بود. در عدن، آدم و حوا مسئولیتی داشتند که تحت حاکمیت خدا باشند، که کار باغ را انجام بدهند و ناظر زمین باشند. در خلقت جدید نیز ما این کار را انجام می‌دهیم و این برکتی برای ماست. اما ما هرگز گناه نخواهیم کرد. آدم و حوا پتانسیل ارتکاب گناه را داشتند. در خلقت جدید، قوم خدا هرگز سقوط نخواهند کرد. عیسی در باغ عدن حضور فیزیکی و جسمانی نداشت اما در خلقت جدید عیسی حضور خواهد داشت. بنابراین، برکتی که ما به عنوان قوم خدا، قوم پیمان جدید به ارث خواهیم برد، واقعاً یک خلقت جدید هست که بهتر از هر آنچه دنیا هرگز دیده خواهد بود.

- دکتر استفان ویتمر

نتیجه‌گیری

در این درس دربارهٔ پیمان جدید در مسیح، به ادارهٔ پادشاهی خدا توجه کردیم و دیدیم که خدا چطور پادشاهی خود را از طریق نمایندگان عهدش اداره کرد و چگونه در بسط اساسی پیمان‌هایش، سیاست‌های مناسب تعیین کرد. همچنین بررسی کردیم که چطور پویایی تعامل بین خدا و قوم عهد او شامل سخاوتمندی الهی وی، آزمون‌های وفاداری او، و عواقب اطاعت و نافرمانی می‌شود.

هنگامی که می‌کوشیم تا عهد جدید را کامل‌تر درک کنیم، باید در نظر داشته باشیم که پیمان جدید در مسیح تنها یک بخش کوچک از الاهیات عهد جدید نبود. پیمان جدید به عنوان آخرین پیمان خدا با قوم خود، تمام نوشتجات نویسندگان عهد جدید را عمیقاً تحت تاثیر قرار داد. خدا از طریق پیمان جدید، معاهده‌ای رسمی با قوم خود در مسیح منعقد کرد. و هرچه بیشتر دربارهٔ این پیمان جدید درک کنیم، بهتر خواهیم توانست مهم‌ترین ویژگی‌های الاهیات عهد جدید را ببینیم.